

بررسی اقدامات قوه قضائیه در راستای اصلاح فرآیندهای رسیدگی و تأثیر آن بر کاهش اطاله دادرسی

سید حسام الدین رفیعی طباطبایی*

*۱. دانشجوی دکتری، حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۰-۴۷

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۷

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۸/۱۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۱/۱۶

واژگان کلیدی:

قوه قضائیه، فرآیند رسیدگی، اطاله دادرسی.

نویسنده مسئول:

سید حسام الدین رفیعی طباطبایی

آدرس پستی:

ایران، کرج، دانشگاه آزاد اسلامی

تلفن:

۰۹۳۸۵۳۱۳۱۳۳

کد ارکید:

0000-0003-0339-1775

پست الکترونیک:

rafiee.hesam@gmail.com

زمینه و هدف: اصلاح فرآیندهای رسیدگی در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، یکی از امور ضروری جهت بهبود و افزایش کارآمدی این نظام است. به همین منظور قوه قضائیه همواره تلاش داشته است تا امکان حداکثر بازدهی در رسیدگی به پرونده‌ها ایجاد گردد. تا ضمن کوتاه شدن زمان دادرسی و تسریع در تصمیم‌گیری‌ها، اطاله دادرسی ناشی از معیوب بودن فرآیندهای دادرسی نیز از بین برود.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: به‌طور کلی اقدامات قوه قضائیه در زمینه اصلاح فرآیندهای رسیدگی را در دودسته می‌توان تقسیم‌بندی نمود. نخست اقداماتی که ناظر بر طرح صحیح دعاوی در محاکم هستند و قلمرو اعمال آن‌ها قبل از طرح دعاوی است؛ و دوم اقداماتی که ناظر بر مدیریت قضایی می‌باشند و در زمان دادرسی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

نتیجه‌گیری: وظیفه محاکم قضایی از زمان تسلیم شکایت یا تقدیم دادخواست آغاز شده و قبل از آن وظیفه خاصی که به اطاله دادرسی مربوط می‌شود به عهده آنان نیست. شکایت و اعلام جرم و دادخواست نقطه آغاز جریان دادرسی است؛ بنابراین تدوین و نگارش صحیح و رعایت اصول این اقدام که در قوانین آیین دادرسی به آن‌ها اشاره شده است می‌تواند از تأخیر در رسیدگی تا حدی جلوگیری کند.

مقدمه

اطاله دادرسی را می‌توان یکی از قدیمی‌ترین مشکلات و معضلات دستگاه قضایی کشور به شمار آورد، که با وجود این که در زمان تصدی هر یک از رؤسای این قوه، راه کارهای مختلفی برای کاهش آن اتخاذ شده است، اما همچنان مردم و حتی بدنه این دستگاه درگیر این معضل می‌باشند. همچنین بهبود سیستم قضایی کشور و توسعه آن امری ضروری است که توسط دستگاه قضایی کشور دنبال می‌شود و مسئولان قضایی همواره به دنبال رفع موانع موجود در این مسیر هستند. یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که بر سر راه بهبود سیستم قضایی قرار دارد، موضوع اطاله دادرسی است. دادرسی به معنای اعم رشته‌ای از علم حقوق است که هدف آن تعیین مقررات راجع به اقسام دعاوی و اجرای تصمیمات دادگاه‌ها است؛ که در فقه به آن علم القضاء گویند؛ و به معنای خاص مجموعه عملیاتی است که به مقصود پیدا کردن یک راه‌حل قضایی به کار می‌رود؛ و اطاله دادرسی به معنای طولانی شدن جریان رسیدگی به پرونده‌ها در مراجع قضایی است. این موضوع به خاطر تضییع حقوق عمومی سبب نارضایتی عمومی، کاهش اعتماد به دستگاه قضایی، کاهش عدالت و امنیت در سطح کشور، تراکم پرونده‌ها در مراجع قضایی و کاهش اقتدار قوه قضائیه می‌گردد و مهم‌تر از همه، به خاطر ایجاد فاصله بین کیفر و عمل مجرمانه اثر بازدارندگی مجازات را کاهش می‌دهد. بعد از انقلاب اقداماتی برای دستیابی به یک سیستم نوین که متفاوت با سیستم دادرسی گذشته، پاسخگوی نیازهای جامعه و متناسب با شریعت اسلام باشد احساس می‌شد. ولی این هدف تحقق نیافت و اطاله دادرسی بدتر از گذشته ادامه یافت. سرانجام بالا گرفتن انتقادات حقوقدانان از نحوه دادرسی در سیستم جدید، مسئولان قوه قضائیه را بر آن داشت که سیستم مذکور را اصلاح کنند. بدین منظور اقداماتی از جانب آنان صورت گرفت ولی مشکل اطاله دادرسی به قوت خود باقی ماند. یکی از دلایل مهم آن قضات کم سابقه و جوان و کثرت پرونده‌ها بود که خود به معنای کاهش

کیفیت دادرسی و بالا رفتن تخلفات قضایی بود. مسابقه بی‌نتیجه استخدام هر چه بیشتر قضات و کارکنان هم نتوانست این مهم را تحقق بخشد. چون اطاله دادرسی تنها به کمبود امکانات و نیرو نظیر قاضی و کارمند مربوط نمی‌گردد و نیازمند اقداماتی در سطوح گسترده‌تر و در زمینه‌های متفاوت بود. شایان ذکر است از آنجایی که بررسی اطاله دادرسی یک موضوع عملی و کاربردی است، لذا در این خصوص به‌طور نسبی با کمبود کتب و آثار پژوهشی مواجه هستیم؛ و بر همین اساس در مقاله حاضر در پی بررسی اقدامات و عوامل مؤثر بر کاهش اطاله دادرسی هستیم. امروزه به لحاظ افزایش جمعیت و تحت تأثیر عوامل مختلف دیگر، این معضل ابعاد گسترده‌ای به خود گرفته است و کمتر از جانب مردم تحمل می‌شود؛ بنابراین اهمیت موضوع در جامعه امروزی کاملاً محسوس و آشکار است؛ زیرا این امر هم منشأ تضییع حقوق و اعمال غرض است، و هم سبب می‌شود که خدمات قضایی خوب و مفید تلقی نشوند و به عدم رضایت‌مندی به جهت ایجاد تأخیر در اجرای عدالت در جامعه منجر گردد. لذا ضرورت بررسی این موضوع باید در اولویت‌های مهم مسئولان قضایی قرار گیرد و با استفاده از پژوهش‌های حقوقی و تلفیق آن‌ها با راهنمایی‌های صاحبان تجارب قضایی گام‌های اساسی در این راه برداشته شود. در مقاله حاضر از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است؛ همچنین روش جمع‌آوری داده‌ها و گردآوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق بر اساس منابع کتابخانه‌ای الکترونیکی و غیر الکترونیکی، مشتمل بر مقالات، گزارش‌ها و کتب مرتبط با موضوع است که در مسیر بهبود اطلاعات موجود در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۱- بیان مسئله

شاید با وجود آنچه در مقدمه اخیر بیان شد، دیگر سخن گفتن از ضرورت کاهش و رفع اطاله دادرسی توضیح بدیهیات باشد و فقط موجب تطویل کلام گردد؛ لیکن بیراه نیست اگر بگوییم مهم‌ترین معضل حال

بدون ارائه ادله کافی اگر منجر به رد شدن دعوی و تضییع حق اصحاب دعوی نگردد، دادرسی و احقاق حق را با تأخیر مواجه می‌سازد؛ و قاضی ناچار است چندین بار جلسه را برای اخذ توضیح از طرفین و بررسی ادله استنادی تجدید نماید.

مهم‌ترین عامل طرح نادرست دعاوی کمبود آگاهی‌های حقوقی مردم است. اطلاع‌رسانی مناسب به مردم، و الزامی نمودن استفاده از خدمات وکلا از مهم‌ترین اقدامات قوه قضائیه در جهت رفع این معضل است. البته لازم به ذکر است که اجباری شدن وکالت در برخی دعاوی از اقدامات قوه قضائیه در جهت اصلاح فرآیندهای قضایی که ناظر بر بحث مدیریت قضایی است، نیز به شمار می‌رود؛ که در آنجا نیز از این موضوع سخن خواهیم گفت. اصلاح برگه‌های دادخواست بر اساس قانون آیین دادرسی جدید از دیگر اقداماتی است که در جهت تشکیل صحیح پرونده و جریان صحیح آن انجام گرفته است (افشارنیا و مبین، ۱۳۸۸: ۹۸).

۱-۲ اطلاع‌رسانی مناسب

قوه قضائیه همواره اطلاع‌رسانی به مردم و آگاه نمودن آنان از حقوق قانونی خویش را یکی از وظایف خود می‌دانسته است و در راستای اجرای این وظیفه اقدامات مؤثری را انجام داده است؛ که به برخی از آنان اشاره می‌نماییم.

تهدیه مجموعه بروشورها و جزوات حقوق شهروندی که به‌صورت رایگان از سوی قوه قضائیه در اختیار مردم قرار می‌گیرند، یکی از اقدامات قوه قضائیه در زمینه بالا بردن دانش حقوقی مردم است. بدیهی است مردم هنگامی که از نحوه طرح دعاوی و مدارک و مستندات لازم برای هر دعوی مطلع باشند و دعاوی خود را بر اساس آن تنظیم و تقدیم نمایند، موجب افزایش سرعت دادرسی و تسریع محاکمات می‌شوند. همچنین یکی از دیگر اقدامات قوه قضائیه تشکیل واحد مشاوره تلفنی در سراسر حوزه‌های قضایی است که مردم را در

حاضر نظام قضایی ما مسئله اطاله دادرسی است. طولانی شدن وقت رسیدگی و تأخیر در صدور حکم قطعی، احقاق حق را به تأخیر می‌اندازد و تأخیر در احقاق حق چیزی کمتر از بی‌عدالتی نیست؛ به‌علاوه این‌که طولانی شدن فرآیند رسیدگی تأثیر منفی در صدور احکام دارد؛ به‌گونه‌ای که به تجربه ثابت شده است که طولانی شدن بی‌مورد محاکمات و افزایش حجم پرونده موجب سردرگمی قضات می‌شود و آراء صادره در چنین پرونده‌هایی عموماً با اشکالات مختلف حقوقی روبه‌رو هستند و در بسیاری از موارد درخور نقض می‌باشند. از این‌رو می‌توان گفت جدای از این‌که سرعت در رسیدگی و صدور رأی، فی‌نفسه امر مطلوبی است، در صدور آراء متقن و منطبق با واقع و بر اساس اصول و موازین حقوقی هم تأثیر بسیاری دارد. با این اوصاف انجام اقدامات مؤثر در این راستا، از ناحیه دستگاه قضایی امری بسیار ضروری است؛ و باید اذعان داشت که بخش عمده‌ای از حصول نتیجه بسته بر اصلاح فرآیندهای رسیدگی است؛ که تاکنون نیز با تلاش مستمر این قوه گام‌های بسیار ارزشمند و مفیدی در این مسیر برداشته شده است.

چنان‌که در چکیده مقاله نیز بیان شد، اقدامات قوه قضائیه در زمینه اصلاح فرآیندهای رسیدگی راه نخست در اقدامات ناظر بر طرح صحیح دعاوی، و سپس در اقدامات ناظر بر مدیریت قضایی می‌بایست بررسی و مطالعه کرد؛ که قسم اول مربوط به پیش از طرح دعاوی بوده؛ و قسم دوم در زمان دادرسی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند (دارابی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۱).

۲- اقدامات ناظر بر طرح صحیح دعاوی

مسلماً طرح صحیح دعاوی یکی از اساسی‌ترین عوامل کاهش اطاله دادرسی است. هنگامی که یک دعوی به‌صورت صحیح و بر اساس موازین قانونی مطرح می‌گردد و ادله لازم نیز به همراه آن به دادگاه ارائه می‌گردد، قضات با سرعت بیشتری می‌توانند به موضوع رسیدگی نمایند. طرح دعاوی به شیوه نادرست و یا

کارشناسی و یا حتی کارشناسی ارشد در این رشته و سال‌ها وکالت یا قضاوت هم نمی‌توان ادعای آگاهی به همه قوانین را مطرح نمود. امروزه با توجه به کثرت قوانین موجود که روز به روز هم بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود، ماهرترین قضات و وکلا هم بایستی در مورد دعاوی پیچیده ساعت‌ها و حتی روزها وقت صرف نمایند و به بررسی جوانب مختلف موضوع بپردازند، تا بتوانند حقی را تشخیص دهند؛ و یا حقوق موکل خویش را به اثبات برسانند.

وجود مقررات مختلف در خصوص ادله اثبات دعوی، تشریفات حاکم بر دادرسی و ارائه ادله، اگرچه اموری شکلی محسوب می‌شوند، ولی در صدور حکم بسیار مؤثرند و بسیاری از دعاوی به دلیل طرح، به شیوه نادرست و یا عدم ارائه ادله در زمان مقرر محکوم به رد و یا حتی منجر به بی‌حقی خواهان می‌گردند و حتی اگر مشمول قاعده اعتبار امر قضاوت شده نباشند و طرح مجدد آن‌ها امکان‌پذیر باشد، اقامه دعوی جدید مستلزم صرف هزینه و وقت بسیار است. به این لحاظ متداعیین برای اثبات و دفاع حق خود مجبورند به وکلا که حرفه آن‌ها متولد از مباحث اصول محاکمات است توسل جویند.

ممکن است مدعی در دعوی خود صادق باشد، ولی مادامی که دعوی خود را به شکلی که قانون تعیین کرده ثابت نکند، صدقش مثمر ثمر نیست. وقتی مدعی، دعوی خود را در غیرقالب قانونی ریخت و یا مدعی علیه در مقام دفاع، از ترتیب مقرر منحرف شد، ممکن است این امر موجب تضییع حق شود. تجربه نشان می‌دهد، به دلیل پایین بودن سواد حقوقی مردم، بیشتر پرونده‌هایی که بدون وکیل در دادگاه‌ها مطرح می‌گردند، یا به نتیجه مطلوب نمی‌رسند و یا اگر هم چنین نتیجه‌ای حاصل شود، همراه با هزینه و وقت بیشتری می‌باشند. از آنجا که وکلای دادگستری حفظ حیثیت و آبروی شغلی خود را بسیار مهم می‌دانند، اغلب حاضر نیستند، دعاوی را قبول کنند که می‌دانند در آن پیروز نمی‌شوند؛ و نیز هیچ موکلی هم پیدا

طرح دعاوی صحیح راهنمایی می‌نمایند. تشکیل واحد ارشاد و معاضدت قضایی نیز در راستای دستیابی به همین هدف صورت پذیرفته است. علاوه بر این قوه قضائیه از طریق پایگاه اینترنتی خود اقدام به ارائه نسخه الکترونیکی نمونه فرم‌های رایج نموده است؛ که افراد می‌توانند با مراجعه به پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی قوه قضائیه به آدرس www.dadiran.ir از این نمونه فرم‌ها که پس از تکمیل، قابلیت چاپ را نیز دارند، استفاده نمایند (افشارنیا و مبین، ۱۳۸۸: ۱۰۲).

۲-۲ طرح دعاوی با مشاوره یا مداخله وکلای دادگستری

یکی از علل افزایش حجم دعاوی در دستگاه قضایی و نیز اطاله دادرسی عدم مشاوره اصحاب دعوی با وکلای دادگستری قبل از طرح پرونده در مراجع قضایی است. بسیاری از پرونده‌هایی که در محاکم مطرح می‌شوند و در نهایت هم به سرانجام نمی‌رسند، در صورتی که خواهان یا شاکی از ابتدا با یک وکیل مشورت می‌نمود و مطمئن می‌شد که در این دعوی ذی‌حق نیست و طرح دعوی سرانجام به محکومیت وی ختم می‌گردد، هرگز چنین دعاوی را مطرح نمی‌ساخت؛ لذا بسیاری از حقوقدانان توصیه می‌کنند که قبل از طرح دعوی یا شکایت بایستی با یک وکیل مشورت نمود.

همه روزه عده زیادی از مردم را در مراجع قضایی و دادگستری می‌بینیم که از زبان‌های وارده به خود ناراحت و نادم می‌باشند، و علت این امر را عدم توانایی در اثبات حق خود می‌دانند. بسیاری از این افراد عقیده دارند که در واقع در دعوی ذی‌حق بوده‌اند ولی از آنجا که نتوانسته‌اند حق خود را در دادگاه به اثبات برسانند و یا دلایل و مدارک کافی به دادگاه ارائه نمایند و یا چگونگی ارائه صحیح دلایل خود به دادگاه را نمی‌دانسته‌اند، محکوم به بی‌حقی شده‌اند. امروزه علم حقوق و آگاهی از قوانین به یک رشته دانشگاهی و تخصصی تبدیل شده است که حتی پس از اخذ مدرک

مراجعه می‌گردید، در فرم‌های جدید مرتفع شده است (دارایی، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

۳- اقدامات ناظر بر مدیریت قضایی

در این قسمت به بررسی اقدامات قوه قضائیه در خصوص اصلاح فرآیندهای قضایی در زمینه مدیریت امور قضایی می‌پردازیم. هدف از این اقدامات اصلاح فرآیندهایی است که جریان دادرسی را کند می‌نماید. قوه قضائیه در این خصوص نیز اقدامات قابل توجهی را انجام داده است تا از این طریق جریان محاکمات را تسریع نماید.

تخصصی شدن محاکم، اجباری شدن استفاده از وکیل در دعاوی حقوقی، استفاده از سیستم الکترونیکی و رایانه‌ای در ثبت و رسیدگی به دعاوی و ابلاغ تلفنی از جمله اقداماتی هستند که با هدف کاهش اطاله دادرسی انجام پذیرفته‌اند. علاوه بر این، قوه قضائیه اهتمام خاصی را نسبت به کاهش اطاله دادرسی از خود نشان داده است، به گونه‌ای تاکنون دستورالعمل‌های مختلفی در جهت کاهش اطاله دادرسی صادر شده که از این میان می‌توان به دستورالعمل‌های جامع کاهش اطاله دادرسی اشاره نمود.

۱-۳ تخصصی شدن محاکم

چنان که قبلاً بیان شد، یکی از معایب مهم تشکیل دادگاه‌های عمومی، مواجهه یک قاضی با موضوعات متنوع حقوقی و کیفری است که بی‌شک در تمامی این موضوعات تخصص نداشته و در تصمیم‌گیری‌های خود دچار تردید و تعلل می‌شود؛ اما در صورتی که به هر قاضی پرونده‌هایی با موضوعات خاصی ارجاع شود، علاوه بر این که وی ممکن است از ابتدا در آن موضوع متخصص باشد، رفته‌رفته بر چگونگی رسیدگی به این دعاوی تسلط پیدا می‌کند و با سرعت بسیار بیشتر نسبت به سایر قضات، می‌تواند دادرسی را اداره و تصمیم‌گیری نماید. روند تشکیل شعب تخصصی برای رسیدگی به پرونده‌ها با اختصاص شعبی ویژه به دعاوی

نمی‌شود که با وجود اعلام نتیجه منفی از طرف وکیل و عدم پیشرفت کار، حاضر به اقامه دعوی شود. لذا با عدم طرح دعاوی نا مربوط و بی‌نتیجه بخشی از کار دستگاه قضایی سبک می‌شود و قضات در مطالعه و بررسی پرونده‌ها فرصت بیشتری به دست می‌آورند. در حقیقت وکلای دادگستری می‌توانند همانند یک «عضو ممیز»، مانع از طرح پرونده‌های واهی، بی‌اساس، بی‌دلیل یا غیر مستند شوند. مشورت با وکلا قبل از طرح دعوی موجب می‌شود تا دعاوی نا مربوط کمتر در دستگاه قضایی مطرح گردند و از این طریق حجم دعاوی مطروحه در دادگستری، کاهش یابد. حتی برخی از وکلا عقیده دارند، مندرجات تعداد بی‌شماری از پرونده‌های مطروحه در دادگستری حاکی از این است که مسائل مطرح شده، خارج از حدود موازین قانونی مطرح گردیده است و نتیجه این امر چیزی نیست، جز این که وقت قضات دادگستری تلف می‌شود، اوقات دادرسی طولانی می‌گردد، مردم ناراضی و گردانندگان دستگاه قضایی خسته و در نتیجه مأیوس می‌گردند. با الزامی شدن استفاده از وکیل در دعاوی حقوقی طرح دعاوی در دادگستری هم ساماندهی شد و ضمن جلوگیری از طرح دعاوی نا مربوط و واهی، دعاوی مطروحه نیز کامل‌تر و با در نظر گرفتن جوانب قانونی و همراه با مستندات کافی به دادگاه‌ها ارائه می‌گردند و در نتیجه این امر نقش مؤثری در کاهش اطاله دادرسی داشته است (دارایی، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

۳-۲ اصلاح فرم دادخواست بر اساس قانون

جدید

یکی از مشکلاتی که بدان اشاره گردید، عدم انطباق فرم‌های دادخواست با قانون آیین دادرسی مدنی جدید بود. خوشبختانه در حال حاضر این مشکل نیز حل شده است و فرم‌های دادخواستی که در حال حاضر در محاکم مورد استفاده قرار می‌گیرند، براساس قانون جدید تنظیم شده و ایراداتی از جمله تغییر شماره مواد قانون آیین دادرسی مدنی که موجب سردرگمی برخی

داشته‌اند که هر جا پای حقی به میان آمد و هر جا قضاوتی لازم باشد وجود وکیل و انجام وظیفه وکالتی ضرورت و الزام دارد. البته این الزام نیز در گذر زمان تکامل یافته است.

در حالی که در ابتدا وکالت الزامی، تنها در برخی دعاوی کیفری ضرورت داشت، امروزه وکالت الزامی در دعاوی مدنی نیز مطرح می‌گردد. به عقیده بسیاری از حقوقدانان بایستی حضور وکیل در برخی از انواع دعاوی مهم و پیچیده الزامی گردد؛ یعنی در صورت نداشتن وکیل رسیدگی به پرونده‌ها صورت نگیرد و یا این که حداقل تنظیم دادخواست، لوایح و شکوایه را به وکلا یا فارغ‌التحصیلان این رشته بسپاریم.

به این نکته هم باید توجه داشت که قاعده لزوم داشتن وکیل با آزادی افراد منافات ندارد، چه، در هر مورد که افراد، صالح یا قادر برای دفاع از حقوق خودشان نباشند ولایت جامعه بر آن‌ها ضرورت دارد. کسانی که در عمل قضاوت بوده‌اند، می‌دانند که مداخله اصحاب دعوی در محاکمات، اغلب به ضرر خود آنان تمام می‌شود. افراد معمولاً آشنا به قوانین نیستند و برای استناد به موقع به مواد قانون و تشخیص این که از دادگاه چه باید خواست، و در چه موقع باید خواست مهارت و ممارستی لازم است، که از اشتغال به شغل وکالت حاصل می‌شود. دادگاه‌ها قبل از صدور رأی فقط استماع می‌نمایند و راهنمایی اصحاب دعوی بر آن‌ها ممنوع است و هر قدر هم متوجه نقص دفاع یک طرف یا عجز یکی از متداعین ذی‌حق بشوند، کاری نمی‌توانند بکنند. دیده شده است لوایحی که خود اصحاب دعوی تهیه می‌کنند، اغلب پیچیده و مطول و تکرار مکررات است و جز گیج کردن دادرس و تطویل محاکمه نتیجه‌ای ندارند.

اگر چه پیش از این برخی قوانین اجباری شدن وکالت حداقل در برخی نقاط از کشور را پیش‌بینی نموده بودند، لیکن تا سال ۱۳۸۴ به دلیل فراهم نبودن زیرساخت‌های لازم، عملاً این قوانین اجرا نشده باقی ماندند. این نکته هم قابل توجه است که بر اساس

خانوادگی آغاز شد و به تدریج مجتمع‌های ویژه خانواده، ارشاد، مفاسد اقتصادی و اطفال نیز تشکیل گردید و بدین ترتیب تخصصی شدن دادرسی‌ها در کشور به صورت نظام‌مند مطرح گردید.

در حال حاضر علاوه بر تخصصی شدن دادگاه‌ها، دادرهای تخصصی نیز تشکیل شده‌اند که می‌توان به دادرای ویژه زمین‌خواری، دادرای امور جنایی، دادرای ارشاد و ... در تهران اشاره کرد (صاحبی، ۱۳۸۵: ۹۶).

۲-۳ اجباری شدن استفاده از وکیل

حضور وکیل در جریان دادرسی ضمن تضمین حفظ حقوق اصحاب دعوی، می‌تواند کمک بزرگی برای قضات محسوب شود. وکلا در جهت حفظ حقوق موکلین خود اقداماتی را در جهت گردآوری ادله و مستندات قانونی را انجام می‌دهند و نتیجه این اقدامات را به صورت لوایح و مستندات خود به دادگاه تقدیم می‌کنند؛ و از این جهت بخشی از وظایف قضات را بر عهده می‌گیرند و در تسریع دادرسی‌ها نقش مؤثری را ایفا می‌نمایند. اقدامات به موقع وکلا در ارائه ادله می‌تواند موجبات تسریع دادرسی را فراهم آورد، هر چند که این امکان هم وجود دارد که وکلا با آگاهی که از قوانین، در مواردی موجبات اطاله دادرسی را نیز فراهم نمایند. در اینجا پس از بحث از ضرورت الزامی شدن وکالت در دعاوی، اقدامات قوه قضائیه در الزامی نمودن وکالت را بررسی می‌نماییم.

۱-۲-۳ ضرورت الزامی شدن وکالت در دعاوی

وکالت پدیده‌ای ضروری و اجتماعی است و بدون آن حیات مدنی و زندگی اجتماعی ناقص و نا تمام است؛ لذا همین ضرورت و اهمیت در قوانین برخی کشورها، حالت الزام و اجبار قانونی به خود گرفته است و قانون‌گذاران در جهت مصالح و منافع عامه و به عنوان تضمین و تأمین اجرای عدالت و احقاق حق، مقرر

نظرسنجی انجام شده از سوی اداره کل روابط عمومی و اطلاع رسانی قوه قضائیه، ۸۸/۵ درصد از جامعه آماری شامل وکلا، قضات و اساتید دانشگاه و همچنین مراجعه کنندگان به دادگستری، با الزامی شدن وکالت موافق بوده‌اند. ۸ درصد مخالف و ۳/۵ درصد هم نظری نداشته‌اند (دلاوری، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

۲-۲-۳ تدوین آیین‌نامه الزامی شدن وکالت توسط قوه قضائیه

پس از فراهم شدن زمینه‌هایی چون افزایش تعداد وکلا، قوه قضائیه در اجرای مواد ۳۱ و ۳۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری در تاریخ ۱۳۸۴/۷/۳ آیین‌نامه‌ای را تنظیم و به واحدهای قضایی سراسر کشور، مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضائیه و کانون‌های وکلا ابلاغ نمود. براساس ماده ۱ این آیین‌نامه «اقامه کلیه دعاوی مدنی و حقوقی و نیز شکایت از آراء و دفاع از آن‌ها در دادگاه‌های دادگستری با دخالت وکیل دادگستری یا مشاوران حقوقی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه خواهد بود». براساس ماده ۳ همین آیین‌نامه در مورد افراد بی‌بضاعت، کانون‌های وکلا و مرکز امور مشاوران وظیفه تأمین وکلای معاضدتی را بر عهده دارند. به موجب ماده ۴ آیین‌نامه «تشخیص بی‌بضاعت بودن یا عدم توانایی اشخاص برای تأدیه حق‌الوکاله با دادگاه مرجع رسیدگی به دعوی و در مورد شکایت فرجامی با دادگاهی می‌باشد که رأی مورد شکایت فرجامی را صادر کرده است؛ بدین منظور رئیس کل دادگاه‌ها در حوزه‌های قضایی در جهت سهولت امر با همکاری مؤسسات معاضدت قضایی در کانون‌های وکلا در استان‌ها و هیأت ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ برنامه سوم توسعه، وفق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوطه عمل می‌نماید» (آیین‌نامه اجباری شدن وکالت در دعاوی حقوقی، ۱۳۸۴: ماده ۱، ۳ و ۴).

با توجه به تأکید قوه قضائیه بر اجرای وکالت معاضدتی و با توجه به مقررات سابق و در جهت فراهم آوردن

امکان تعیین وکیل مجانی برای افراد بی‌بضاعت در ماده ۵ این آیین‌نامه مقرر گردید: «وکلاء دادگستری وفق ماده ۲۳ قانون وکالت مصوب ۲۵ بهمن ۱۳۱۵ و مشاورین حقوقی برای ملاک تبصره ۲ ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ مکلفند همه ساله در سه دعوی حقوقی و مدنی به عنوان معاضدت قبول وکالت نمایند؛ و چنانچه موکل، محکوم له واقع شود، حق الوکاله قانونی از آنچه که وصول شود به او پرداخته خواهد شد. پنج یک آن متعلق به کانون یا هیئت اجرایی ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه توسعه سوم می‌باشد» (همان، ماده ۵).

بنابراین در این پرونده‌ها که از اهمیت بیشتری برخوردار هستند، حضور وکیل می‌تواند منجر به تسریع در انجام مراحل مختلف دادرسی و جلوگیری اطاله دادرسی به دلایل مذکور در مطالب پیشین شود. در واقع توجه ویژه قوه قضائیه به اهمیت حضور وکیل در پرونده‌ها به منظور هدایت صحیح جریان دادرسی و جلوگیری از طولانی‌تر شدن رسیدگی به پرونده‌ها، باعث الزام مردم به استفاده از وکلای دادگستری در پیگیری دعاوی خود در دادگستری شده، که استفاده از خدمات وکلای دادگستری، خود از مهم‌ترین عوامل رفع اطاله دادرسی محسوب می‌شود (افشارنیا و مبین، ۱۳۸۸: ۹۷).

۳-۳ استفاده از سیستم رایانه‌ای در ثبت و رسیدگی به دعاوی و ابلاغ تلفنی

امروزه استفاده از فناوری‌های جدید در بسیاری از امور مورد توجه قرار گرفته است. این فناوری‌ها می‌توانند بسیاری از امور را سرعت ببخشند. قوه قضائیه نیز تلاش نموده است تا به نسبت اوضاع و احوال خود از این امکانات در جهت تسریع دادرسی‌ها استفاده نماید. یکی از اقدامات قوه قضائیه که به‌صورت آزمایشی در برخی از مجتمع‌های قضایی انجام پذیرفت، استفاده از سیستم الکترونیکی ثبت دادخواست و جریان پرونده از طریق مجازی است. در این شیوه کلیه اوراق پرونده

پذیرش قانون‌گذار قرار نگرفته است و اگر با وجود ابلاغ تلفنی نسخه دوم اظهاریه اعاده نشده باشد، و طرف دعوی نیز در جلسه حاضر نباشد، دادرسی باید وقت رسیدگی را تجدید نماید. ولی در بسیاری از موارد که طرفین دعوی سوء نیتی ندارند با انجام ابلاغ تلفنی حتی اگر ورقه اظهاریه به آنان ابلاغ نشده باشد، در جلسه دادرسی حاضر می‌شوند و از این طریق مانع تجدید جلسه دادرسی می‌گردند.

به هر حال به نظر می‌رسد با تجدید نظر در زمینه مقررات ابلاغ و استفاده از شیوه‌هایی چون تلفن، پیامک، فاکس و ایمیل، و تأیید آن‌ها از سوی قانون‌گذار، می‌توان پاره‌ای از مشکلات ناشی از ابلاغ را حل نمود و بر سرعت جریان دادرسی‌ها افزود (افشارنیا و مبین، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

۳-۴ صدور دستورالعمل‌های اجرایی کاهش اطاله دادرسی

یکی از اقدامات مهم قوه قضائیه که مبین اهتمام مسئولان قضایی برای حل مشکل اطاله دادرسی است، تدوین چهار دستورالعمل از سوی ریاست محترم قوه قضائیه در زمینه کاهش اطاله دادرسی است.

این دستورالعمل‌ها که در تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۱۸ از سوی ریاست محترم قوه قضائیه تصویب و جهت اجرا ابلاغ گردیدند، دربردارنده نکات بسیار مهمی در جهت کاهش اطاله دادرسی می‌باشند.

در این بخش به پاره‌ای از مفاد این دستورالعمل‌ها که نقش مؤثری در کاهش اطاله دادرسی دارند، اشاره می‌نماییم.

۳-۴-۱ تشکیل کمیته‌های اجرایی رفع اطاله دادرسی

یکی از مواردی که در دستورالعمل‌های کاهش اطاله دادرسی مورد توجه قرار گرفته است، تشکیل کمیته‌های اجرایی رفع اطاله دادرسی در هر حوزه قضایی و در دو سطح استانی و شهرستانی است.

اسکن شده از طریق سیستم در اختیار قضات و مدیران دفتر قرار می‌گیرند. از جمله مزایای مهم این شیوه این است که با توجه به نرم‌افزارهای مورد استفاده، امکان جستجو در پرونده‌ها تسریع می‌گردد و قضات و مدیران دفتر وقت کمتری را برای یافتن یک سند یا صورتجلسه صرف می‌نمایند. قرار گرفتن اوراق در پرونده‌ها به صورت ماشینی صورت می‌گیرد و از اشتباهات فردی که در برخی موارد ممکن بود به تجدید جلسه دادرسی هم منجر گردند، جلوگیری می‌شود. همچنین از طریق این سیستم تعیین وقت و اوراق اظهاریه به صورت ماشینی صادر می‌گردد و از صرف وقت در این موارد و اشتباهات احتمالی جلوگیری می‌شود.

از دیگر مزایای این شیوه امکان نظارت آنلاین بر عملکرد قضات و سایر کارکنان شعب و نیز امکان آمارگیری لحظه به لحظه از عملکرد شعب می‌باشد. همچنین به کمک این سیستم می‌توان در هر لحظه از وضعیت پرونده و اقدامات انجام شده در خصوص آن اطلاع حاصل نمود. اعمال این سیستم در سراسر کشور، نیازمند فراهم آمدن زیرساخت‌هایی است که با فراهم آمدن آن‌ها، به تدریج استفاده از سامانه‌های الکترونیکی ثبت دادخواست‌ها و جریان پرونده‌ها نیز گسترش می‌یابد (افشارنیا و مبین، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

همچنین یکی از مشکلاتی که هنوز هم باعث تجدید بسیاری از جلسات دادرسی می‌گردد، عدم انجام ابلاغ صحیح و به موقع است. در راستای حل این معضل و در جهت کاهش اطاله دادرسی، قوه قضائیه به انجام ابلاغ از طریق تلفن اقدام نموده است. در حال حاضر اکثریت قریب به اتفاق مراجعین دادگستری از تلفن همراه و یا ثابت برخوردار هستند؛ و دسترسی به آن‌ها از طریق تلفن بسیار ساده است. در حالی که ممکن است به دلیل دقیق نبودن آدرس، امر ابلاغ به سادگی میسر نباشد. البته لازم به ذکر است که استفاده از ابلاغ تلفنی به عنوان یک شیوه کمکی در امر ابلاغ مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ زیرا ابلاغ از طریق تلفن مورد

کاهش اطلاع دادرسی داشته باشد (دلوری، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

۲-۴-۳ بازشماری پرونده‌ها و آمارگیری دقیق

یکی از اقدامات انجام شده از سوی قوه قضائیه که به موجب دستورالعمل اجرایی شماره ۲ کاهش اطلاع دادرسی انجام پذیرفت، بازشماری پرونده‌ها و تعیین آمار دقیق از پرونده‌ها بود. در حقیقت انجام اقدامات لازم در زمینه کاهش اطلاع دادرسی بدون آگاهی از وضعیت موجود امکان‌پذیر نیست، لذا قوه قضائیه به موجب دستورالعمل شماره ۲ نکات ذیل را متذکر شد:

۱- توسط کمیته‌های شهرستان و با نظارت کمیته‌ی اجرایی استان، طرح بازشماری دقیق پرونده‌ها و لیست‌برداری از آن‌ها و اصلاح دفاتر هر یک از شعب دادگاه‌ها، اعم از عمومی و انقلاب و تجدیدنظر و شعب دایاری و بازپرسی و اجرای احکام به نحوی اجرا شود که در پایان بهمن ماه اولاً، هیچ پرونده‌ی ثبت نشده‌ای وجود نداشته باشد. ثانیاً، اشکالات آماری دفاتر شعب و عدم تطابق آن با واقعیت موجود، مشخص و اصلاح شود. ثالثاً، اگر پرونده‌ی مفقود شده‌ای وجود دارد بدل آن تهیه و تعیین تکلیف شود. رابعاً، اگر پرونده‌ی بلا تکلیفی مشاهده شد مقید به وقت رسیدگی یا نظارت گردد.

۲- صورت جلسه‌ی بازشماری پرونده‌ها با قید دقیق تعداد و شماره پرونده‌های موجود تا پایان بهمن ماه توسط اعضا تهیه و امضا گردیده، و توسط رییس و در صورت نداشتن رییس، حسب مورد توسط دادرس علی‌البدل یا مستشار دادگاه تجدیدنظر و در دادرس توسط دادیار یا بازپرس هر شعبه و در اجرای احکام توسط قاضی اجرای احکام گواهی و ممهور به مهر شعبه می‌گردد.

۳- صورت جلسه‌ی بازشماری پرونده‌های هر شعبه در پایان به امضای رییس حوزه‌ی قضایی مربوطه رسیده و در دفتر شعبه ثبت و ملاک وضعیت آماری و اصلاح دفتر شعبه از این به بعد قرار می‌گیرد.

کمیته‌ی استانی در هر استان به ریاست رییس کل دادگستری استان و عضویت مقامات ذیل تشکیل می‌گردد: دادستان مرکز استان، رییس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مرکز استان، یکی از معاونین رئیس کل دادگستری، معاون آموزش و تحقیقات دادگستری استان، معاون اداری و مالی دادگستری استان، مسئول واحد ارزشیابی دادگستری استان.

همچنین کمیته‌ی شهرستانی در هر حوزه‌ی قضایی شهرستان و بخش، حتی شهرستان مرکز استان، به ریاست رییس حوزه‌ی قضایی مربوطه، و عضویت دادستان شهرستان، یکی از معاونین رییس حوزه‌ی قضایی، مسئول اداری و مالی دادگستری شهرستان یا یکی از کارمندان مطلع، تشکیل می‌گردد.

بر اساس بند ۴ دستورالعمل شماره یک، کمیته‌های اجرایی رفع اطلاع‌ی دادرسی استانی و شهرستانی، در همه‌ی حوزه‌های قضایی موظف هستند تا شروع سیر نزولی پرونده‌های مانده و کوتاه شدن فرآیند دادرسی، هفته‌ای سه جلسه و بعد از آن حداقل هفته‌ای یک جلسه، خارج از وقت اداری تشکیل و روند اجرایی رفع اطلاع‌ی دادرسی را بررسی و مطالعه نموده، و پس از استماع گزارشات، تصمیمات لازم را اتخاذ و در جلسات بعدی نتایج اجرایی آن را بررسی نمایند. به طور کلی کمیته‌ها مسئول اجرای دستورالعمل‌های سراسری و نیز اتخاذ تصمیم و اجرایی نمودن برنامه‌های منطقه‌ای (استانی و شهرستانی) براساس وضعیت خاص هر حوزه‌ی قضایی می‌باشند. کمیته‌های اجرایی کاهش اطلاع دادرسی مکلف هستند، وضعیت اطلاع دادرس را در حوزه قضایی مربوطه بررسی نمایند و تصمیمات لازم را جهت کاهش اطلاع دادرسی اتخاذ نمایند و گزارش فعالیت‌های خود و نتایج آن را به کمیته استانی ارسال نمایند.

بدیهی است تشکیل چنین کمیته‌هایی در هر حوزه قضایی که با توجه به شرایط آن حوزه قضایی تصمیم‌گیری می‌نمایند، می‌تواند نقش مؤثری در

ما فوق هماهنگ و در صورت احراز ضرورت با صدور حکم مأموریت به عمل آید و حتی المقدور باید تلاش شود امور اداری و شخصی بدون مراجعه حضوری و از طریق تلفن، دورنگار و یا بهبود سیستم، حل و فصل گردد.

۴- موافقت با مرخصی کارکنان اداری و قضایی با دقت و توجه مدیریتی باید همراه باشد و حتی المقدور باید در حداقل ممکن باشد و باعث تعطیلی یا افت محسوس امور رسیدگی قضایی نگردد و حتماً با مأموریت جایگزین در مدت مرخصی جبران گردد.

۵- جلوگیری از ورود مردم و مراجعین به واحدهای قضایی سراسر کشور از شروع ساعت اداری و یا خارج نمودن آنان قبل از پایان وقت اداری به دلیل عدم حضور کارکنان و یا هر دلیل دیگر ممنوع است و باید مورد مراقبت قرار گیرد.

۶- کلیه جلسات داخلی و خارجی که مستلزم حضور قضات و کارکنان اداری می باشد به خارج از وقت اداری موکول و در صورت استثنای ضرورت، با اتخاذ تدابیر مناسب از لطمه وارد آمدن به روند دادرسی جلوگیری به عمل آید. چنانکه مشاهده شد، در دستورالعمل شماره ۳ حتی در خصوص اعطای مرخصی به کارکنان و یا مأموریت های اداری آنان مقرراتی وضع شده است تا این عوامل نیز موجب کندی کار نگردد و در صورت لزوم بایستی افراد جانشین برای فردی که مرخصی می گیرد و یا به مأموریت اداری اعزام می شود تعیین گردد. همچنین برای جلوگیری از اطاله دادرسی و استفاده بهینه از ساعات اداری، کلیه جلسات به بعد از ساعات اداری موکول شده است (دارایی، ۱۳۸۷: ۱۲۱ و دارایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۹-۱۰۰).

۴-۳-۴ تعیین وقت به صورت صحیح

یکی دیگر از عواملی که می تواند منجر به بروز اطاله دادرسی در محاکم گردد، نحوه تعیین وقت است. استفاده حداکثری از ساعات اداری ایجاب می نماید تا اوقات رسیدگی از ابتدای ساعات رسیدگی تعیین شود؛

۴- نسخه ی دوم صورت جلسه ی بازشماری برای دبیر کمیته ی اجرایی شهرستان ارسال و نامبرده ضمن قرائت آن در جلسه ی کمیته، گزارش نتایج حاصله از بازشماری و تفاوت ایجاد شده با آمار گذشته و علل آن را طی گزارشی برای دبیر کمیته ی اجرایی استان ارسال می نماید (افشارنیا و مبین، ۱۳۸۸: ۱۲۴).

۳-۴-۳ کنترل حضور و غیاب کارکنان اداری و قضایی

مهم ترین عامل اطاله دادرسی عوامل انسانی است. لذا قوه قضائیه در راستای نظارت هر چه بیشتر بر نیروی انسانی و جلوگیری از برخی تخلفات و کم کاری ها، در بخشنامه های صادره جهت کاهش اطاله دادرسی نکات ذیل را متذکر شد:

۱- انجام دقیق حضور و غیاب کارکنان اداری و قضایی به هر وسیله ای که ممکن باشد، اعم از استفاده از دستگاه ساعت زن، امضای دفتر و اعزام مأمورین کنترل مخفی و علنی و هر طریق دیگری که مدیریت مناسب بداند (آنچه اهمیت دارد نتیجه است؛ یعنی به هر شکل، همه ی کارکنان اداری و قضایی قبل از ساعت اداری در محل کار حضور داشته و بعد از ساعت اداری محل کار را ترک نمایند و تأخیر در ورود و تعجیل در خروج متوقف گردد و سیستم کنترلی مناسبی برای نظارت مستمر در نظر گرفته شده و تأثیر عملکرد این سیستم به صورت هفتگی چک شود).

۲- در ادامه ی اجرای این دستورالعمل، لازم است اولاً، با ترک محل خدمت بدون هماهنگی و بدون اخذ مرخصی، مقابله شده و هرگونه ترک محل کار حتی کوتاه مدت با درخواست مرخصی و موافقت مقام مافوق و رعایت کلیه ی ضوابط و مقررات و تشریفات قانونی بوده و در این مدت با تعیین جایگزین از رکود کاری جلوگیری شود.

۳- آمدن رؤسای واحدهای قضایی و سایر کارکنان قضایی و اداری به سایر واحدها و یا از شهرستان ها به مرکز استان یا از استان به تهران باید قبلاً با مقام

۵-۴-۳ جلوگیری از بلاتکلیف ماندن پرونده‌ها

نظارت بر تعیین تکلیف هر پرونده، و جلوگیری از بلاتکلیف ماندن پرونده‌ها نیز در کاهش اطاله دادرسی نقش ویژه‌ای دارد.

بند ۵ دستورالعمل شماره ۴ در این زمینه چنین مقرر می‌دارد: «تمام پرونده‌های موجود در شعب بدون استثنا باید مقید به وقت رسیدگی یا وقت نظارت باشند؛ و به هیچ عنوان نباید پرونده‌ای بلاتکلیف در شعب نگهداری شود» (صاحبی، ۱۳۸۵: ۹۹).

۵-۳ صدور دستورالعمل زمان استاندارد رسیدگی

صدور دستورالعمل آزمایشی زمان استاندارد رسیدگی، اقدامی حائز اهمیت از ناحیه قوه قضائیه در جهت کاهش اطاله دادرسی است (دستورالعمل آزمایشی استاندارد زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی، ۱۳۸۷). بر اساس بند ۱ این دستورالعمل «منظور از «استاندارد زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی» تعیین سقف زمانی مناسب با رعایت ضوابط و مقررات در رسیدگی به پرونده‌های حقوقی و جزایی با توجه به اهداف مذکور در این دستورالعمل می‌باشد».

بر اساس این دستورالعمل برای هر یک از پرونده‌های حقوقی، خانواده و کیفری و همچنین اقدامات و دستورات دفتری، زمانی مشخص شده است و محاکم مکلف شده‌اند تا اقدامات خود را بر اساس این جداول انجام دهند. بدیهی است در صورتی که محاکم بتوانند رسیدگی خود را در چهارچوب برنامه زمان‌بندی انجام شده و جداول پیوست این بخشنامه، به انجام برسانند، اطاله دادرسی در محاکم تا حدود زیادی از بین خواهد رفت. حتی اگر این اقدام در کوتاه مدت هم میسر نگردد، از آنجایی که براساس این دستورالعمل مدیران دفاتر محاکم مکلف شده‌اند، گزارش اجرای این دستورالعمل و علل عدم اجرای آن را بر اساس فرم‌هایی که ضمیمه این دستورالعمل است، هر ماهه

و فاصله بین اوقات به نحوی تعیین شود تا از یک سو وقت برای رسیدگی در جلسه محاکمه کم نباشد و از سوی دیگر، این فاصله به اندازه‌ای زیاد نباشد که موجب تلف شدن اوقات دادگاه گردد.

برخی نکاتی که در دستورالعمل شماره ۴ در این زمینه مقرر گردیده است، عبارتند از:

۱- اولین وقت رسیدگی برای محاکم بدوی عمومی و انقلاب و تجدیدنظر و شعب دایاری و بازپرسی برای ساعت ۸ صبح هر روز تعیین گردد، تا از بهترین زمان اداری حداکثر استفاده در جهت تشکیل جلسات دادرسی به عمل آید.

۲- فاصله بین دو جلسه دادگاه در پرونده‌های سبک ۱۵ دقیقه و در پرونده‌های متوسط ۳۰ دقیقه و در پرونده‌های مهم و یا دارای طرفین متعدد که نیازمند مدت زمان بیشتر است بیش از یک ساعت تعیین می‌گردد؛ بنابراین، روسای دادگستری‌ها و دادرها با ملاحظه پرونده‌های هر شعبه بر فاصله‌ی بین جلسات و تعداد پرونده‌های تعیین وقت شده نظارت دقیق و مستمر نمایند.

۳- تعداد پرونده‌های تعیین وقت شده در هر شعبه بر اساس تعداد قضات موجود در شعبه تعیین خواهد شد؛ بنابراین، تعیین اوقات در صورت وجود یک رییس و یک دادرس ثابت دو برابر خواهد بود.

۴- پرونده‌های وقت نظارت و احتیاطی حتی‌المقدور در ساعات آخر وقت اداری تعیین شود.

۵- افزایش اوقات دادرسی به ویژه تعیین وقت دادرسی در ساعت ۸ مستلزم اضافه نمودن پرونده‌های جدیداً‌لراجع در دفتر تعیین اوقات در فواصل تعیین شده فعلی و نیز ابطال اوقات طولانی چند ماه آینده و تعیین وقت رسیدگی جدید در فواصل نزدیک‌تر می‌باشد؛ و لازم است اوقات جدید به طرفین پرونده‌ها ابلاغ گردد (افشارنیا و مبین، ۱۳۸۸: ۱۴۶ و دارابی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۰-۱۰۲).

ایفاء نموده است. همچنین تشکیل دفاتر خدمات الکترونیک قضایی نیز اقدام مفیدی در این زمینه بوده است که به آن نیز اشاره خواهد شد.

۱-۶-۳ تشکیل شوراهای حل اختلاف

طبیعت خاص روابط اجتماعی در ایران و ویژگی‌های جامعه شناختی ایران، امکان حل و فصل بسیاری از اختلافات مردم را بدون مراجعه به دادگاه فراهم می‌آورد. اهمیت و احترام فوق‌العاده مردم ایران به نهاد روحانیت و نیز پابندی آن‌ها به ارزش‌های اخلاقی مورد تأکید دین اسلام، مانند لزوم پرهیز از کینه و حل مسالمت آمیز اختلافات، از جمله زیرساخت‌های روانی و جامعه شناختی ایران است که زمینه حل اختلافات از طریق ریش سفیدی و روش‌های آشتی جویانه را فراهم می‌آورد.

بسیاری دیگر از مراجعات مردم به دستگاه قضایی نیز اصولاً به دلایلی صورت می‌پذیرند که نیازی به حل و فصل توسط قاضی ندارند. برای مثال تقاضای کاهش مبلغ جرائم راهنمایی و رانندگی، نیازی به بررسی توسط قاضی ندارد و نهادهای دیگر نیز می‌توانند از صلاحیت لازم برای بررسی چنین درخواست‌هایی برخوردار باشند. قوه قضائیه با درک این ویژگی‌ها، با توجه به ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه، آیین‌نامه تشکیل شوراهای حل اختلاف را صادر نمود.

مطابق آیین‌نامه شوراهای حل اختلاف، تشکیل این شوراها وظایف متعددی را که قبلاً بر عهده دادگستری بود، بر عهده گرفته و از هدایت تعداد زیادی از پرونده‌ها به دستگاه قضایی جلوگیری نمود. رسیدگی به دعاوی مالی با خواسته کمتر از ۱۰ میلیون ریال، مهر و موم و تحریر ترکه، تأمین دلیل و رسیدگی به اختلافات شهروندان در رابطه با مسائل راهنمایی و رانندگی (مانند خلایف و تصادفات غیر جرحی) از جمله اختیارات این شوراها است که بار سنگینی را از دوش دادگاه‌ها برداشته و منجر به کاهش محسوس حجم پرونده‌های ورودی به دستگاه قضایی شد. در سال ۱۳۸۷ نیز قانون شوراهای حل اختلاف با تغییراتی در صلاحیت شورا به

به رؤسای حوزه قضایی اعلام نمایند و روسای حوزه قضایی هم بایستی اقدامات لازم را برای اتخاذ تدابیر لازم جهت تسریع در رسیدگی و تعیین تکلیف پرونده‌های معوقه، به انجام رسانند، در نتیجه این امر مسلماً در کاهش اطاله دادرسی تأثیرات بسیار مهمی خواهد داشت (روزنامه سیاست روز، ۱۳۸۰: ۵ و دستورالعمل آزمایشی استاندارد زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی، ۱۳۸۷).

۳-۶ اصلاح و ایجاد نهادهای تکمیلی

چنانچه قوه قضائیه موفق نشود اشخاص را به حل و فصل اختلافات خود از طریق نهادها و فرآیندهای تکمیلی متمایل و هدایت نماید، هیچ یک از اقدامات دیگری که برای کاهش اطاله دادرسی انجام می‌شود، نمی‌تواند منجر به رفع کامل این معضل شود؛ زیرا حجم پرونده‌های ورودی به قوه قضائیه چنان زیاد خواهد بود که هر تدبیری برای تسریع در روند رسیدگی به آن‌ها، راهگشا نخواهد شد.

قوه قضائیه با عنایت به همین مطلب، تلاش نموده نهادها و فرآیندهای تکمیلی و جایگزین دادگستری را در نظام حقوقی ایران ایجاد یا اصلاح نماید؛ تا ضمن برخوردار نمودن مردم از مزایای این روش‌های حل اختلاف، از ورود بیش از اندازه پرونده‌ها به دستگاه قضایی نیز جلوگیری نماید. به همین منظور، اقداماتی در برنامه توسعه قضایی کشور اعمال شده است که تشکیل شوراهای حل اختلاف و تقویت نهاد داوری از جمله آن‌ها بوده است (دارابی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۳-۱۰۴).

در ادامه، به بررسی این دو اقدام و تأثیر آن بر کاهش زمان رسیدگی به دعاوی می‌پردازیم. علاوه بر این، تأسیس مرکز وکلا، مشاوران و کارشناسان قوه قضائیه، که اقدامی در جهت اجرایی سازی ماده ۱۸۷ برنامه سوم توسعه به شمار می‌رود، نیز اگر چه مستقیماً در فرآیند دادرسی تأثیر نداشته است ولی با توسعه فرهنگ وکالت و مشاوره، نقش مهمی در کاهش اطاله دادرسی

ترازی طرفین بر رجوع به داوری حل و فصل می‌شوند. همچنین با تأکید قوه قضائیه، در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، اهمیت ویژه‌ای به داوری داده شده و بسیاری از نواقص قانون فعلی در مورد این نهاد مرتفع شده است.

استفاده از نهاد داوری یکی از بهترین اقدامات قوه قضائیه است که ضمن تأکید بر حل و فصل سریع و قطعی اختلافات از طرح حجم گسترده دعاوی حقوقی در محاکم جلوگیری می‌نماید؛ و از این طریق نقش مؤثری در کاهش اطاله دادرسی دارد. افزایش اعتبار آراء داوری از طریق کاهش موارد ابطال رأی داور نیز، می‌تواند موجب تشویق مردم برای استفاده هر چه بیشتر از این شیوه حل و فصل اختلافات شود.

تبلیغ مردم برای استفاده از داوری و بیان مزایای آن از جمله سرعت در رسیدگی، رسیدگی تخصصی، قطعیت رأی داور، کم بودن هزینه رسیدگی و ... می‌تواند موجبات گسترش این نهاد در نظام حقوقی کشورمان را فراهم آورد (دارابی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۶).

۳-۶-۳ تشکیل مرکز وکلا، مشاوران و کارشناسان قوه قضائیه

تشکیل مرکز امور مشاوران، وکلا و کارشناسان قوه قضائیه، یکی از موارد بحث برانگیز قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، موضوع ماده ۱۸۷ این قانون بود، که منجر به اظهار نظرهای ضد و نقیضی در زمان تصویب آن گردید. برخی با موجه دانستن این ماده و ضروری دانستن آن برای نظام قضایی، آن را گامی در جهت توسعه قضایی دانستند؛ و برخی دیگر نیز تصویب این ماده را «شکستن بال فرشته عدالت» نامیدند، و آن را غیر ضروری قلمداد کردند.

متن این ماده چنین است:

«ماده ۱۸۷- به منظور اعمال حمایت‌های لازم حقوقی و تسهیل دستیابی مردم به خدمات قضایی و حفظ حقوق عامه، به قوه قضائیه اجازه داده می‌شود تا نسبت

تصویب رسید؛ تا مشکل قانونی آن، یعنی مستند نبودن صلاحیت شورا به قانون مرتفع گردد (دارابی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۳-۱۰۴ و قانون شوراهای حل اختلاف، ۱۳۹۴).

مدت رسیدگی به درخواست‌های مردم از طریق شوراهای حل اختلاف نیز بسیار کوتاه‌تر از زمان لازم برای طرح موضوع در دادگستری است؛ زیرا رسیدگی در شورای حل اختلاف نیازمند رعایت بسیاری از تشریفات دادرسی نیست و مردم در ساعات غیراداری نیز می‌توانند به این شوراها مراجعه نمایند. به علاوه، از آنجایی که اعضای این شوراها عمدتاً از افراد معتمد محل تشکیل شده‌اند، مردم می‌توانند در محل‌های دیگری غیر از محل استقرار شورا، مانند مسجد و منزل اقوام و آشنایان نیز مشکلات خود را با آنان در میان بگذارند و از این لحاظ نیز کمک زیادی به عدم اتلاف وقت برای پیگیری امور در ساعات اداری می‌شود. ایجاد صلح و سازش از طریق میانجی‌گری در شورا و شیوه‌های حل و فصل کدخدانمشانه را بایستی یکی از مهم‌ترین مزایای شوراهای حل اختلاف بدانیم که سبب شد، حجم بسیاری از دعاوی، قبل از طرح در دادگاه به صورت مسالمت‌آمیز حل و فصل گردد (حسنی، ۱۳۸۱: ۴۴).

۳-۶-۲ تقویت نهاد داوری

نهاد داوری نیز از مهم‌ترین راهکارهای تکمیلی حل و فصل دعاوی است که می‌تواند مانع از مراجعه مردم به دادگاه‌ها و افزایش تعداد پرونده‌های ورودی به دستگاه قضایی شود. توجه ویژه قوه قضائیه به تقویت این نهاد به خصوص در روابط تجاری باعث شده است که اطلاع‌رسانی در مورد فواید استفاده از داوری گسترش یافته و نهادهای تخصصی مانند مرکز داوری دعاوی تجاری در اتاق بازرگانی ایران ایجاد و تقویت شود. همچنین شعبات ویژه‌ای از شوراهای حل اختلاف نیز به حل و فصل اختلافات بازرگانان اختصاص داده‌شده، که در این شعب عمدتاً این اختلاف‌ها از طریق

عنوان افرادی که مدافع و حامی حقوق آنان هستند، نگاه می‌کنند؛ و اگر هم تمایزی را بین وکلا قائل شوند، از نظر سواد علمی، تجربه کاری و تبحر حرفه‌ای آنان است.

تشکیل این مرکز که نقش بسیار مهمی در تربیت وکلا و مشاوران و کارشناسان رسمی دادگستری داشت، سبب افزایش تعداد وکلا و کارشناسان در سراسر کشور گردید. مردم نقاطی که تا چندی پیش در آنجا حتی یک وکیل هم فعالیت نمی‌نمود، امروزه از خدمات چندین وکیل دادگستری و مشاورین قوه قضائیه بهره‌مند می‌باشند؛ و در واقع می‌توان همین بهره‌مندی از خدمات چنین اشخاصی را، بنابر مهارت و دانش حقوقی و قضایی ایشان، از طریق افزایش آگاهی‌های حقوقی و قضایی عامه مردم و نیز طرح صحیح و هدفمند دعاوی و شکایات از طریق وکلای این مرکز، به نوعی مؤثر در کاهش اطاله دادرسی دانست.

همچنین افزایش تعداد کارشناسان هم نقش بسیار مهمی در کاهش اطاله دادرسی داشته است. تا قبل از اجرای ماده ۱۸۷، تعداد کارشناسان در کشور بسیار اندک بود. بیشتر این کارشناسان نیز در شهرهای بزرگ و مراکز استان‌ها مستقر بودند؛ که همین امر موجب بروز مشکلات متعددی می‌گشت. اولاً به دلیل کمبود کارشناس، تعداد پرونده‌های محوله به هر کارشناس بسیار زیاد می‌شد و در نتیجه کارشناسان نمی‌توانستند با دقت و در اسرع وقت نظریات خود را به دادگاه‌ها ارائه نمایند. ثانیاً از آنجا که در شهرستان‌های کوچک کارشناس رسمی وجود نداشت، دادگاه‌ها مجبور بودند از کارشناسان مستقر در مرکز استان‌ها استفاده نمایند. بعد مسافت و عدم امکان حضور کارشناسان در وقت مقرر در دادگاه موجب اطاله دادرسی می‌شد؛ به گونه‌ای که حتی در برخی پرونده‌ها به دلیل عدم حضور کارشناس، وقت اجرای قرار کارشناسی بیش از ده بار تجدید می‌گردید. از طرف دیگر کارشناسان غیر بومی به دلیل عدم آشنایی با ویژگی‌های منطقه، به ویژه در

به تأیید صلاحیت فارغ‌التحصیلان رشته حقوق جهت صدور مجوز تأسیس مؤسسات مشاوره حقوقی برای آنان اقدام نماید. حضور مشاوران مذکور در محاکم دادگستری و ادارات و سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای انجام امور وکالت متقاضیان مجاز خواهد بود. تأیید صلاحیت کارشناسان رسمی دادگستری نیز به طریق فوق امکان‌پذیر است. آیین نامه اجرایی این ماده و تعیین تعرفه کارشناسی افراد مذکور به تصویب رییس قوه قضائیه خواهد رسید».

قوه قضائیه در راستای اجرایی سازی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه، اقدامات مهمی را در دستور کار خود قرار داد. تدوین آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه که در تاریخ ۱۳۸۱/۶/۱۳ به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسید، حکایت از روندی منظم و اصولی برای گزینش، کارآموزی و صدور پروانه مشاوره حقوقی است (آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه، ۱۳۸۱). با توجه به این که متقاضیان پروانه مشاوره حقوقی قوه قضائیه نیز بایستی در آزمون ورودی شرکت نمایند و پس از قبولی در آن، دوره کارآموزی علمی و عملی را با موفقیت طی نمایند؛ و پس از آن موفق به اخذ پروانه مشاوره حقوقی پایه دو می‌گردند. لذا مشاوران حقوقی قوه قضائیه نیز با طی این مراحل دارای شایستگی لازم برای دفاع از حقوق موکلین خود می‌باشند و ایرادات مربوط به فقدان مهارت و شایستگی این دسته از وکلا بی‌مورد است.

آنچه در این ماده پیش‌بینی شده است، صدور پروانه وکالت برای متقاضیان است. کسانی که از طریق مرکز مشاورین قوه قضائیه پروانه وکالت می‌گیرند، نیز وابسته به دولت و حکومت نیستند و وکیل دولتی محسوب نمی‌گردند. شاید در حال حاضر که چند سال از اجرای این ماده می‌گذرد، نقد این سخنان راحت‌تر باشد. امروزه در عمل مشاهده می‌شود که مشاوران حقوقی قوه قضائیه نیز همانند وکلایی که از کانون‌های وکلا پروانه گرفته‌اند، در حال فعالیت و دفاع از موکلین خود می‌باشند. مردم نیز به این وکلا، به

و بهره وری دادگاه‌ها می‌شود، بلکه دسترسی طرفین پرونده قضایی را جهت هر گونه اقدامی تسهیل و تسریع می‌کند (مهدی و کریمی، ۱۳۹۴).

بنابراین به خوبی پیداست که ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، با کاهش میزان مراجعات فیزیکی افراد به دادگاه‌ها، بهره‌گیری از تخصص افراد با تحصیلات حقوقی و بهره‌گیری از نظم و سرعت موجود در سیستم‌های الکترونیکی، می‌تواند راهکاری مؤثر در جهت کاهش میزان اطاله دادرسی در سیستم قضایی کشور به شمار آید (سمامی، ۱۳۷۹: ۹ و دلاوری، ۱۳۷۹: ۱۳۲).

نتیجه‌گیری

وظیفه محاکم قضایی از زمان تسلیم شکایت یا تقدیم دادخواست آغاز شده و قبل از آن وظیفه خاصی که به اطاله دادرسی مربوط می‌شود به عهده آنان نیست. شکایت و اعلام جرم و دادخواست نقطه آغاز جریان دادرسی است؛ بنابراین تدوین و نگارش صحیح و رعایت اصول این اقدام که در قوانین آیین دادرسی به آن‌ها اشاره شده است می‌تواند از تأخیر در رسیدگی تا حدی جلوگیری کند. همچنین، در مقابل رعایت اصول طرح صحیح دعاوی توسط اشخاص، از لحظه آغاز وظیفه دستگاه قضایی به رسیدگی و شروع فرآیند دادرسی نیز اقداماتی می‌بایست از ناحیه قوه قضائیه صورت پذیرد تا دعاوی مطروحه توسط اشخاص هر چه سریع‌تر منتج به تصمیمی قاطع گردند؛ به عبارت دیگر پس از شروع دعوی تا ختم رسیدگی، حوادثی اتفاق می‌افتد که موجب طولانی شدن دادرسی می‌شود. شاید تصور کنیم که فقط تلاش‌های قاضی پرونده است که عدالت را به اجرا و ظهور می‌رساند؛ ولی چنان که در مقاله حاضر بررسی گردید، در کنار قاضی، عوامل دیگر تأثیرگذاری هم هستند که به نوعی همراه، همکار و عضای دست وی می‌باشند؛ و با تأثیرگذاری بسیار بالایی تسریع در رسیدگی و صدور و اجرای حکم را رقم می‌زنند. لذا انجام اقدامات مؤثر

ارزیابی املاک اظهار نظرهایی می‌نمودند که بعضاً با واقعیت تفاوت فاحش داشت.

اجرای ماده ۱۸۷ با تأکید بر جذب کارشناس در مناطق محروم صورت گرفت، به گونه‌ای که در مناطقی که حتی یک کارشناس هم حضور نداشت امروزه چندین کارشناس فعالیت می‌نمایند؛ و همین نکته باعث تسریع در اجرای قرارهای کارشناسی و کاهش اطاله دادرسی شده است (حسنی، ۱۳۸۱: ۵۲).

۴-۶-۳ ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضایی

با وجود افزایش ورودی پرونده‌ها به دستگاه قضایی، تمام همت دادگستری‌ها به کاهش اطاله دادرسی و تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها اختصاص دارد. لذا برای تحقق این امر مهم، تا کنون راهکارهای مختلفی در دستور کار قرار گرفته‌اند. حذف بروکراسی‌های دستی و الکترونیکی شدن امور یکی از مهمترین برنامه‌هایی است که از سوی مسئولان قضایی پیگیری می‌شود. تشکیل دفاتر خدمات الکترونیک قضایی که در همین راستا فعال شده‌اند، تا هم بخشی از تصدی‌گری‌ها از دوش دادگستری‌ها برداشته شده و هم کارها با سرعت بیشتری پیگیری شوند؛ از جمله اقدامات مهم و مؤثر دستگاه قضایی در جهت کاهش اطاله دادرسی به شمار می‌رود (آیین نامه اجرایی ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضایی و قانون ایشان، ۱۳۹۶).

باید اذعان کرد که دادرسی و رسیدگی به دعاوی و جرائم، یکی از ارکان مهم و حاکمیتی، در جوامع امروزی است. لذا ارائه این خدمات به‌صورت الکترونیکی نیز از اهمیت ویژه‌ای در جامعه نسبتاً مدرن امروزی برخوردار است. امروزه شهروندان انتظار دارند خدمات قضایی با سرعت و سهولت و با حداقل نیاز به حضور فیزیکی در اختیارشان قرار گیرد.

توسعه سیستم مدیریت پرونده قضایی یک طرح ملی است، که در راستای تحقق این هدف انجام شده است. راه اندازی این سیستم نه تنها موجب افزایش کارآمدی

تقدیر و تشکر

از همه عزیزانی که در به سامان رسیدن این تحقیق ما را یاری رساندند تشکر می‌کنیم.

سهم نویسندگان

نگارش و تألیف این مقاله مشترکاً توسط تمامی نویسندگان صورت گرفته است.

تضاد منافع

در این تحقیق تضاد منافی وجود ندارد.

توسط قوه قضائیه، در راستای اصلاح فرآیندهای رسیدگی به دعاوی و کاهش و رفع اطاله دادرسی، از ضروریات مدیریت سیستم قضایی کشور می‌باشد؛ و البته نباید همین میزان از اقدامات را کافی دانست. بلکه لزوم طرح راهکارها و اقدامات تازه برای نیل به این مقصود همواره می‌بایست در دستور کار مسئولان قضایی و قوه قضائیه باشد.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی در خصوص نگارش مقاله و امانت‌داری در ارجاعات رعایت گردید.

منابع

- افشار نیا، طیب و مبین، حجت (۱۳۸۸). *اطاله دادرسی و توسعه قضایی*. تهران: خرسندی.
- آیین نامه اجرایی ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضایی و کانون ایشان (۱۳۹۶)، مصوب قوه قضائیه.
- آیین نامه اجباری شدن وکالت در دعاوی حقوقی (۱۳۸۴)، مصوب قوه قضائیه.
- آیین نامه اجرایی ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضایی و کانون ایشان (۱۳۹۶)، مصوب قوه قضائیه.
- آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه (۱۳۸۱)، مصوب قوه قضائیه.
- آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه (۱۳۸۱)، مصوب مجلس شورای اسلامی.
- پایگاه اینترنتی قوه قضائیه، <http://dadiran.ir>
- پایگاه اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، <http://rc.majlis.ir>
- پایگاه اینترنتی معاونت آموزش دادگستری تهران، <http://ghavanin.ir>.
- حسنی، علیرضا (۱۳۸۱). «نقش وکلا و مشاوران حقوقی در روند تسریع دادرسی». نشریه وکالت، ۶۸-۳۵: ۱۱(۴).
- دارابی، ایمان (۱۳۹۷). «بررسی عوامل مؤثر بر رفع اطاله دادرسی و توسعه قضایی، مطالعه موردی بر دادگستری شهرستان کرمانشاه در سال ۱۳۹۶». پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی البرز، ایران.
- دارابی، ایمان؛ رفیعی طباطبایی، سید حسام الدین و حامد توسلی، سوده (۱۳۹۷). *رفع اطاله دادرسی و توسعه قضایی*. تهران: آذرفر.
- دارابی، محمد هادی (۱۳۸۷). *علل اطاله دادرسی و روش‌های جایگزین حل اختلاف*. تهران: نشر دفتر گسترش تولید علم معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- دستورالعمل آزمایشی استاندارد زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی (۱۳۸۷)، مصوب قوه قضائیه.
- دستورالعمل آزمایشی استاندارد زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی (۱۳۸۷)، مصوب قوه قضائیه.
- دلاوری، محمد رضا (۱۳۸۹). *اطاله دادرسی*. تهران: نشر سمت.
- دلاوری، محمدرضا (۱۳۷۹). «علل اطاله دادرسی و راهکارهای مقابله با آن». *روزنامه کیهان*، چاپ ۱۳۷۹/۱۲/۲.
- روزنامه سیاست روز، اطاله دادرسی و علل آن، چاپ ۱۳۸۰/۱۰/۹.
- سمایی، عبدالله (۱۳۷۹). «نقش وکیل در دادرسی». *روزنامه اطلاعات*، چاپ ۱۳۷۹/۱۲/۱۸.
- صاحبی، مهدی (۱۳۸۵). *علل اطاله دادرسی در ایران*. تهران: نشر آوای نور.
- قانون شوراهای حل اختلاف ایران (۱۳۹۴)، مصوب مجلس شورای اسلامی.
- مرادخانی، مهرداد (۱۳۸۷). «عوامل سازمانی مؤثر بر اطاله دادرسی در تشکیل پرونده‌های قضایی در کلانتری‌ها». *نشریه مطالعات مدیریت انتظامی*، ۲(۲): ۲.
- مهدی، صدیقه و کریمی، قوام (۱۳۹۴). «بررسی نقش دفاتر خدمات الکترونیک قضایی در فرآیند دادرسی عادلانه». *کنفرانس ملی چارسوی علوم انسانی*، شیراز: مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران (متان)، https://www.civilica.com/Paper-NCCH01-NCCH01_180.html



Reviewing the Actions of the Judiciary in Order to Improve the Proceedings and Its Effect on Reducing the Length of Proceedings

Seyyed Hesamoddin Rafiei Tabatabaei^{1*}

*1. PhD Student, Private Law, Faculty of Law and Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

ARTICLE INFORMATION:

Article Type: *Original Research*

Pages: 30-47

Article history:

Received: 27 Jan 2020

Edition: 6 Feb 2020

Accepted: 11 Mar 2020

Published online: 4 Apr 2020

Keywords:

The judiciary, the trial process, the length of the trial.

Corresponding Author:

Seyyed Hesamoddin Rafiei Tabatabaei

Address:

Iran, Karaj, Islamic Azad University

Orchid Code:

0000-0003-0339-1775

Tel:

09385313133

Email:

rafiei.hesam@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Reforming the judicial processes in the judicial system of the Islamic Republic of Iran is one of the essential issues to improve and increase the efficiency of this system. To this end, the judiciary has always strived to ensure maximum efficiency in handling cases. In order to shorten the time of the trial and expedite the decisions, the delay of the trial due to the defectiveness of the proceedings should also be eliminated.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: In general, the actions of the judiciary in reforming the judicial process can be divided into two categories. First, the actions that oversee the proper filing of lawsuits in the courts and the scope of their action before filing lawsuits; And second, the actions that oversee judicial management and are used during trials.

Conclusion: The jurisdiction of the courts has begun since the filing of the complaint or the filing of the petition, and before that they have no specific duty relating to the adjournment of the proceedings. The complaint and the declaration of the crime and the petition are the starting point of the trial; Therefore, the correct formulation and observance of the principles of this action, which are mentioned in the rules of procedure, can prevent delays in the proceedings to some extent.

Cite this article as:

Rafiei Tabatabaei S H. Reviewing the Actions of the Judiciary in Order to Improve the Proceedings and Its Effect on Reducing the Length of Proceedings. *Economic Jurisprudence Studies*. 2020; 2(1): 30-47.